



مرکز مجاز امام صادق (علیه السلام)

اصول الفقه (اجتماع امر و نهی)

حکم خروج از دار مغصوبه ۴

جلسه ۲۶۴

استاد نجار زاده

عدم وجوب غیری خروج:

دلیل اول

قبلا گفته شد که مقدمه واجب - بر فرض اینکه تخلّص واجب نفسی باشد - واجب نیست.

دلیل دوم

خروج از ملك غصبی که به نظر قائل همان حرکات خروجیّه باشد مقدمه برای نفس تخلّص از حرام نیست؛ بلکه علی التّحقیق، مقدمه است برای کون در خارج ملك و کون در خارج ملك ملازم است با عنوان تخلّص از حرام؛ نه آنکه نفس آن باشد و روشن است که از فرض وجوب تخلّص لازم نمی آید؛ فرض وجوب لازمش (کون فی الخارج) چه آنکه واجب نیست متلازمین در وجود، در حکم نیز مشترک باشند و وقتی کون در خارج ملك واجب نشد چگونه مقدمه اش را واجب بدانیم؟

دلیل سوم

بر فرض پذیرفتیم که تخلّص واجب نفسی است و آن همان نفس کون در خارج ملك غصبی می باشد؛ در نتیجه حرکات خروجیّه، مقدمه آن بوده و مقدمه واجب نیز واجب است؛ با پذیرش همه اینها، ولی مقدمه واجب در جایی واجب است که مانعی از وجوبش در بین نباشد؛ لذا اگر مقدمه ای خودش حرام فرض گردد به صرف اینکه مقدمه واجب واقع شده، نمی توان حکم به وجوبش نمود؛ نظیر سوار شدن بر مرکب غصبی در طریق حجّ؛ چه آنکه رکوب بر مرکب، اگرچه به ملاحظه مقدمه بودنش برای سیر الی الحجّ واجب است، ولی در مثال مذکور، نمی توان آن را متّصف به وجوب دانست (زیرا مرکب غصبی است)؛ در مورد بحث نیز حرکات خروجیّه اگرچه مقدمه برای تخلّص از حرام هستند، ولی چون مصداق غصب و تصرّف در ملك غصبی می باشند؛ لاجرم نمی توان آنها را از باب مقدمه واجب، واجب دانست.



مرکز مجاز امام صادق (علیه السلام)

اشکال:

مقدمه حرام در جائی متّصف به وجوب نمی‌شود که رسیدن به واجب منحصر به آن نباشد و اما با انحصار مسلماً بین اتّصافش به حرمت و وجوب ذو المقدمه تراحم واقع می‌شود؛ زیرا امر دائر است بین اینکه وجوب، امتثال شود یا حرمت اطاعت گردد؛ لذا اگر وجوب از حرمت اهمّ باشد، آن را باید بر حرمت مقدمه ترجیح داده در نتیجه حرمت ساقط می‌گردد.

در مورد بحث نیز امر چنین است؛ زیرا مقدمه منحصر است و واجب یعنی ترك غصب زائد از حرمت مقدمه اهمّ می‌باشد؛ لذا جانب آن را باید ترجیح داد و در نتیجه به وجوب مقدمه‌اش باید حکم شود.

جواب:

آنچه گفته شد صحیح است؛ ولی در صورتی که دوران مذکور به سوء اختیار مکلف نباشد؛ چه آنکه در این فرض، دوران بین مأموریه و منهی عنه، در مقام تشریح است.

اما در مسئله ما، مولا از اول گفته که غصب مطلقاً حرام است؛ چه داخل شدن و چه خارج شدن؛ لذا در مقام تشریح، مشکلی وجود ندارد و در مقام امتثال نیز چون به سوء اختیار مکلف بوده و مکلف خودش عمداً خود را در این دو راهی قرار داده، لذا تراحمی نیست بلکه در عین این که مقدمه حرام است، باید انجام بدهد و حکم حرمت از مقدمه برداشته نمی‌شود.